

نقش دین و سیاست مذهبی حاکمان ایلخانی و تیموری در رونق و تحول هنرهای تزئینی

معصومه سادات نظم

دانشجوی دکتری تاریخ واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران

دکتر امید سپهری راد (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری تاریخ واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران

دکتر رجبعلی وثوقی مطلق

دانشجوی دکتری تاریخ واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ دوره ۲۰ شماره ۷۶ بهار ۱۴۰۴ صفحه ۲۰۲-۱۸۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱

چکیده

دین و باورهای اعتقادی تأثیر زیادی در فرهنگ و هنر یک تمدن داشته است. اندیشه و تفکرات دینی تحولاتی را در هنر پدید آورده، زیرا دین و هنر ارتباط نزدیکی یا یکدیگر دارند با توجه به این که عصر ایلخانی و تیموری، یکی از دوران شکوه فرهنگی می باشد، بررسی نقش دین و عوامل آن در تحول هنرها، دارای اهمیت است. هدف اصلی پژوهش، بررسی نقش دین و سیاست مذهبی حاکمان ایلخانی و تیموری در رونق و تحول هنرهای تزئینی می باشد. پژوهش به شیوه توصیفی و تحلیلی، با گردآوری اطلاعات، از طریق منابع تاریخی، هنری، کتابخانه ای انجام گرفته است. از نتایج به دست آمده می توان به ایجاد ارتباط دین و هنر و گسترش آن اشاره کرد. نمایش سیاست دینی، را در ساختن انواع بناهای مذهبی شامل مساجد، مقابر با تزئینات، گچ بری، کاشی کاری، کتیبه نویسی و نگارش نسخ خطی دینی به همراه هنرهای خوشنویسی، تذهیب و تجلید، توسط هنرمندان خلّاق، در مراکز هنری تحت حمایت حاکمان می توان مشاهده کرد، که از یک سو وحدت دین و هنر در قالب ساخته های هنری که براساس سیاست های حاکمان بوده و از سوی دیگر ابداعات و نوآوری در انواع هنر، به همراه تکامل و تحول آن می باشد.

کلید واژگان: سیاست مذهبی، هنرهای تزئینی، ایلخانی و تیموری

دین و هنر از آغاز تاریخ ارتباط نزدیکی با یکدیگر داشته، با نگاه به آثار به جای مانده در هر تمدن، می توان به این مسئله پی برد. در تاریخ هنر ایرانی نیز ارتباط دین و هنر را می توان مشاهده کرد، که با حمایت و سیاست مذهبی حاکمان، پررنگ تر شده است. زیرا هنر وسیله ای برای اهداف سیاسی حاکمان بوده و از طریق ورود به آن در شکل های مختلف، از جمله دین و توجه به ارزش های دینی در جهت ثبات سیاسی و مشروعیت حکومتی، مورد توجه قرار می گیرد، که دارای اهمیت است. با توجه به این که دوره ایلخانی و تیموری از دوران مهم تاریخی و فرهنگی به شمار می رود، می تواند نزدیکی دین و هنر و تأثیر پذیری آن را با توجه به حمایت حاکمان مشاهده کرد، که قابل توجه است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی نقش دین و سیاست مذهبی حاکمان دوره ایلخانی و تیموری در رونق و تحول هنرهای تزئینی است. در این مقاله به سوالات زیر پاسخ داده شده: ۱- ارتباط دین و هنر چگونه است؟ ۲- دین پذیری و تسامح دینی حاکمان عصر ایلخانی و تیموری چه تأثیری در تحول هنرهای تزئینی داشته است؟ تحول ایجاد شده در کدام هنرها بیشتر بوده است؟ پژوهش حاضر بر آن است تا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، به نقش دین و سیاست مذهبی حاکمان در رونق و تحول هنرهای تزئینی عصر ایلخانی و تیموری و پیامدهای آن بپردازد. اهمیت و ضرورت این پژوهش در این است که تاکنون به بررسی تخصصی و دقیق، پیرامون نقش دین و سیاست مذهبی حاکمان در رونق و تحول هنرهای این دوره پرداخته نشده و می تواند آغازی برای تحقیقات کامل تری در این زمینه، باشد.

پیشینه تحقیق

در زمینه پیشینه پژوهش حاضر، به صورت مستقل، تحقیقی انجام نگرفته و در منابع بیشتر به صورت محدود، در کنار مسائل دیگر، که شکل گیری، رونق یا تحول یک هنر، تأثیرگذار باشد، بیان شده است. در کتاب های تاریخ ایران در عصر ایلخانی و تیموری آژند (۱۳۸۲)، قدرت سیاست و مذهب عصر تیموریان منز (۱۳۹۱) و مسائل عصر ایلخانان مرتضوی (۱۳۸۵)، پیرامون تاریخ ایلخانی و تیموری و تحولات سیاسی، مذهبی اجتماعی و فرهنگی پرداخته، اما به علل تحولات هنرهای تزئینی و ارتباط آن با مسائل دینی، اشاره ای نشده است. در کتاب های هنری مانند هنر ایلخانی و تیموری

شراتو و گروبه (۱۳۹۱) و هنر تیموری کاووسی (۱۳۸۹)، اگر چه به طور تخصصی در مورد هنرهای دوره ایلخانی و تیموری پرداخته، اما هر یک از هنرها را به طور مختصر بیان کرده، و به ذکر تحول هنرها و دلایل آن، اشاره ای نداشته است. علاوه بر کتاب، مقالاتی چند در این مورد نوشته شده که به برخی اشاره می شود. در مقاله هنر و دین صالحی و فلامکی (۱۳۹۴) به ارتباط هنر و دین پرداخته و جایگاه هر یک را مشخص کرده و به نزدیکی دین و هنر برای رسیدن اهداف خود در یک حکومت اشاره داشته است که به عنوان یک تحلیل، مفید است. در مقاله « نقش جایگاه هنر در اعتلای فرهنگ رونق هنر عصر تیموری پرداخته و از ذکر علل و تحول هنرهای تزئینی، از جمله دین و مذهب، اشاره ای نداشته است. شایسته فر در مقاله بررسی کتیبه های مذهبی دوره تیموری و صفویه (۱۳۸۱)، اشاراتی مهمی بر تحول در هنر کتیبه نویسی عصر تیموری داشته که براساس ترویج دین و اهمیت به مسائل دینی، تحولاتی را در این هنر داشته، که بسیار مفید می باشد. در مقاله باز آفرینی الگوی حکومت ایرانی در دوره ایلخانی فضلای نژاد (۱۳۹۳) که علاوه حکومت داری ایلخانی، به مسلمانی حاکمان نیز اشاره داشته، اما به بررسی تأثیر گذاری دین در تحول هنرها، نپرداخته است. در این مقالات اطلاعات به صورت محدود و پراکنده در موضوع پژوهش بوده و به ذکر نقش دین و سیاست مذهبی حاکمان در تحول هنرهای تزئینی دوره ایلخانی و تیموری، اشاره ای نشده است. ویژگی مشترک آن ها بیان ارتباط میان دین و هنر، بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به صورت مختصر بوده و بیشتر جنبه تاریخی داشته و اگر مسائل فرهنگی و هنری را مطرح کرده، سیر تاریخی هر یک از هنرها بیان کرده و به علل دینی و نقش آن در تحول هنرها، به طور خلاصه پرداخته است. اما در این پژوهش، به صورت اختصاصی و تحقیقی، به بررسی نقش دین و سیاست مذهبی حاکمان و تأثیری که در تحول هنرهای تزئین، از جمله معماری و کتاب آرایی داشته، مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش از نظر موضوع جدید است و می تواند زمینه ای برای سایر محققان باشد، تا پژوهش هایی دیگری، در این زمینه انجام گیرد.

روش تحقیق

این پژوهش به روش تحقیقی توصیفی - تحلیلی با استناد به منابع کتابخانه ایی، به صورت فیش برداری از اسناد و جمع آوری مستندات و اطلاعات مربوط به نقش دین و سیاست مذهبی حاکمان

عصر ایلخانی و تیموری در رونق و تحول هنرهای تزئینی می باشد که در پاسخ به سوالات پژوهش، مطرح شده است.

ارتباط دین و هنر

دین به عنوان یک برنامه مهم و اساسی برای زندگی بشر، در بالابردن بعد روحانی و معنوی او همواره مورد توجه می باشد. از طرفی هنر نیز، شکلی تازه و جذاب از ماهیت آرمانی می باشد که ریشه در فطرت پاک انسان داشته و می تواند انسان را به ارزش هایی که باید داشته باید راهنمایی و هدایت کند. میان دین و هنر از گذشته روابط نزدیکی در تاریخ تمدن بشر وجود داشته است. هنر در اشکال مختلف و گوناگون، علاوه بر این که روح بشری را پالایش می دهد، سعی دارد عقاید و باورهای او را به شکل ظاهری و مادی به نمایش می گذارد. این مسئله نشان از روابط نزدیک میان دین و هنر را، بیان می کند. شوان معتقد است که: «برای دین به طور کلی اهمیت هنر، تقریباً به اندازه تفسیر و تأویل کتاب آسمانی است. از آنجا که دین نمی تواند ظهور و تجلی کند مگر توسط اشکال و صور» (شوان، ۱۳۷۲: ۲۰۳) آثار هنری به جای مانده از دوران باستانی زندگی بشر، نشان از ارتباط دین و هنر است. تاریخ نشان می دهد که ماندگارترین آثار جلوه های هنرنمایی انسان، در دوره هایی بود که حس دینی، فضای غالب جامعه بوده است. هنرمند ارتباط هنری برای بیان مفاهیم و ماندگاری خود را با تبلیغ و یا کشیدن نقوش خاص و مفهومی بر روی آثار هنری، در دوره های مختلف، بیانی برای زبان دینی، زمان خود، می نمایند. (حیدری، ۱۳۹۱: ۷۳-۸۹) با نگاهی به تمدن های مختلف می توان دریافت پیدایش و گسترش هنر همواره از دین و مذهب متأثر بوده و فعالیت های هنری نیز حول دین و باورهای دینی شکل گرفته و بعدها به جنبه های دیگر زندگی انسان، وارد شده است. (کاپادونا، ۱۳۸۳: ۱۰۴) در هنر تمدن های کهن مانند بین النهرین می توان ارتباط عمیق و محکم میان دین و هنر را مشاهده کرد. هنر در خدمت دین در آمده، چنان چه هنر در برپا شدن عبادتگاه، پررنگ بود و تصویر کردن رب النوع های مورد پرستش، که باعث جذب مردم به سوی این مرکز دینی نیز، شد. در دوره هخامنشی نیز شاهد یکی از جلوه های ارتباطی هنر و دین هستیم که ظهور یکتا پرستی و نمادهای مرتبط با آن در هنر های این دوره چون مجسمه و معبد می باشیم.

ارتباط میان دین و هنر را در آثار متعدد هنری می توان دید. چنان که معماری مذهبی که در جوامع معتقد به باورهای دینی هستند، به ظهور رسیده و یا معابد و پرستشگاه ها نیز یکی از نمونه های تجلی ارزش ها و تعالیم دین است. در واقع همه هنرهای رایج در جامعه چون مجسمه سازی، کاشی کاری، گچ بری موسیقی و غیره، به صورت مجموعه ای نفیس از هنرهای یکی مکتب و طرز تفکر آن، درآمده است. (کنفسیوس، ۱۳۷۱: ۲۱) در واقع ارتباط هنر و دین را در همه دوره های تاریخی ملت ها، از جمله ایران نیز می توان دید که توانسته بر فرهنگ و هنر تأثیرگذار باشد. اعتقادات، تفکرات و اندیشه دینی، در قالب آثار هنری پدیدار و بانیان حکومت نیز برای رسیدن به اهداف خود، هنرمندان را مورد حمایت و هدایت در راه ساختن و عرضه کردن آثار، هنری می نمایند.

دین و هنرهای تزئینی در ایران

در طول تاریخ هنری ایران، همیشه میان دین و هنر، ارتباط بسیار نزدیکی وجود داشته است. بسیاری از آثار هنری برجا مانده از پیش از اسلام، بر مبنای مفاهیم نمادین و به صورت انتزاعی طرح شده اند. (خزائی، ۱۳۷۹: ۱۳) در واقع در دوره باستان هنر در خدمت دین و باورهای اعتقادی حاکم بر جامعه بوده، که به منظور پرستش، در شکل معابد، مجسمه و آتشکده ها، خود را نشان داده است. این آتشکده ها مربوط به دوره ساسانی می باشد که دین زرتشت، با پذیرش و تأیید حاکمان، رسمیت پیدا کرد. (دیاکوف، ۱۳۵۱: ۲۶۱) با ورود اسلام به ایران، با توجه به شرایط جدید، دین و اعتقادات دینی آن، تأثیر زیادی بر فرهنگ و هنر ایران داشته و تأثیر آن را در انواع آثار هنری می توان مشاهده کرد. اولین تأثیر آن را در هنر معماری می توان دید، ساختن بناهای مذهبی مانند مساجد، مقابر و آرامگاه ها، رواج یافت. (نصیری، انصاری، ۱۳۵۰: ۱۵۹)

از هنر خوشنویسی نیز برای نگارش کتاب های دینی، استفاده شد. ذوق و استعداد هنرمندان در کتابت و نسخه نویسی قرآن، به همراه هنرهای تزئینی اسلامی، نمایان گردید. (حسن، ۱۳۶۳: ۶۵) جنبه اهمیت هنر در زمینه ی دینی، به هنرهای دیگر از جمله هنرهای مستظرفه مانند سفال گری، فلزکاری و صنعت پارچه بافی نیز، وارد شد. در حاشیه ها، بعضی خطوط و نقوش گیاهی به چشم می خورد، که مربوط به دوره سلجوقی می باشد و حکایت از جنبه دینی آن را دارد. (ایتنگهاوزن،

۱۳۷۲: ۵۰۶) حاکمان که در رونق و شکوفایی هنر، تأثیر زیادی داشته، با پذیرش شرایط جدید دینی و اهمیت بخشی در بروز آن هنرها، نقش به سزایی، را ایفا کردند. هنرمندان مسلمان نیز با افزودن آن، بر آفرینش نقش مایه های نمادین، مطابق فرهنگ اسلامی، بسیاری از نقوش نمادین ایران باستان را تعدیل و با هماهنگی ساختن آنها، به جهان دینی، در دوره ای اسلامی، آن ها را احیاء کردند. خزائی، ۱۳۷۹: ۱۳) در واقع با تشکیل دولت های اسلامی در کنار مسائل فرهنگی و هنری، هنر تزئینی نیز مورد توجه قرار گرفته و پیشرفت نموده است. (پرایس، ۱۳۷۵: ۷۰) این هنرها تحت تأثیر دین و ارزشهای دینی، متحول شده است. هنرهای تزئینی قدمت طولانی در ایران دارد. با توجه به آثار به جای مانده می توان در حکومت های باستانی، از هخامنشی تا ساسانی به وفور مشاهده کرد. مانند هنر معماری و تزئینات آن را در تخت جمشید، شوش و پاسارگاد، با تزئینات گچ بری، مجسمه سازی و دیگر هنرهای وابسته به آن، می توان دید. (محسنی، ۱۳۷۹: ۱۰/ ۱۷۰-۱۷۱) هنرهای تزئینی باستانی تکامل خود را ادامه داده و زیر بنایی برای پیشرفت آن ها در دوره اسلامی گردید. در واقع هنر با توجه به دین جدید، به قوت خود ادامه یافت و موجب غنای هنر اسلامی نیز شد. هنر تزئینی ایرانی، با عظمت گذشته ایران، زنده و پویا شد، خاصه زمانی که حکومت های ایرانی، بر سرکار آمدند. (گشایش، ۱۳۷۷: ۲۲۳) رسم حکام و سلاطین که قصد ایجاد مساجد، مقبره و دیگر هنرها را داشتند، باعث شد از هنرمندان استفاده کنند و به احداث بناها و دیگر هنرها و تزئینات آن، بپردازند که جنبه مذهبی داشته است. بنابراین هنرهای تزئینی در ایران، در مسیر تحولات قرار گرفت. البته تاریخ ایران در زمینه ی فرهنگی با توجه به فضای فکری و سیاسی در دورانی به کندی و زمانی به علت قدرت سیاسی ایرانیان و حمایت های مادی و معنوی آنها، پیشرفت ادامه می یافت، که نتیجه آن ظهور آثار فرهنگی و هنری در قالب سبک های مختلف هنری بوده است. (حقیقت، ۱۳۶۹: ۱۹۱/۱-۱۹۰) به دنبال آن اولین دوره هنری ایران بعد از ورود اسلام، بین قرون سوم تا ششم هجری به وجود آمد و حکومت غزنویان و آل بویه و پس از آن سلجوقیان، رستاخیز فرهنگی بزرگی را در ایران به وجود آوردند. (بلخاری ۱۳۸۲: ۸۷) بر پا ساختن بناهای ممتاز و به وجود آمدن اشیاء تزئینی نه تنها در داخل کشور، بلکه الگویی برای هنرمندان کشورهای اسلامی گردیدند. (جنسن، و، هـ ۱۳۵۹: ۱۹۵) هنرهای تزئینی در عصر سلجوقی به اوج رسید. زیرا در حاشیه مسائل سیاسی، به رشد خود، ادامه داد و در خدمت حاکمان و سیاست های مادی و معنوی آن ها قرار گرفت. در

نتیجه فعالیت های گوناگون این خاندان، هنرمندان بزرگی به ظهور رسیدند که در مراکز هنری مرو و نیشابور، هرات و ری به فعالیت هنری می پرداختند. (محسنی، ۱۳۸۰: ۱۸۱) انواع هنرهای تزئینی درکنار هنرهای دیگر، به رشد رسید. پس از وقفه ای که با حملات مغولان و تیموریان پدید آمد، مجدداً دوران رشد و شکوفایی در هنرهای تزئینی ایجاد شد. به دنبال ثبات سیاسی و پذیرش اسلام و تسامح دینی از سوی حاکمان، هنرمندان در پایتخت تبریز و مراغه به خدمت گرفته شدند و انواع هنرهای تزئینی، مجدداً به رشد و شکوفایی رسید. (شراتو و گروبه، ۱۳۷۶: ۷۸) در واقع دین و سیاست های مذهبی حاکمان بر جامعه، درکنار ثبات سیاسی، دوران ایلخانی و تیموری تأثیر زیادی بر فرهنگ و هنر داشته و موجب رونق، تحول و تکامل انواع هنرها در این دوران شده است.

جایگاه دین نزد حاکمان ایلخانی و تیموری

پس از این که چنگیز و فرزندانش فتوحات و جهان گیریشان به پایان رسید، نوادگان چنگیز، در مناطق تحت سلطه، به فکر جهان داری و اداره ی مناطق افتادند. (مرتضوی، ۱۳۸۵: ۷) این حاکمان جدید، در موضوعات دینی، از خودشکبیایی نشان دادند و به ترتیب بر آئین شمنی، بودایی، مسیحی و اسلام، اعم از اهل تسنن و تشیع، بودند. همین پذیرش ادیان مختلف، فرهنگ و اعتقادات متفاوت، عنصری بسیار مهم در مسائل فرهنگی و هنری ایلخانی در ایران، باشد. (اقبال ۱۳۶۵: ۲۸۲) نبودن تعصبات مذهبی در دوره ی ایلخانی، از ویژگی های این دوره، بوده است. آن ها عقیده خود را نسبت به دین اجدادی، به دلیل این که در برابر آئین مسیحیت و اسلام، ضعیف بوده، از دست دادند. حضور اکثر وزرای مختلف نزد ایلخانان، از زمان هولاکو تا انقراض ایلخانان، حکایت بر عدم تمایل به تعصب دینی و اعتقادی آنان، بوده است. قبل از غازان خان که در عهد او دین اسلام، دین رسمی دربار شد، امراء و بزرگان مغول در انتخاب ایلخانان، توجهی به مذهب و عقیده او نداشتند. ایلخانان غیر مسلمان نیز در صدد تحمیل دین خود، به مردم نبودند. آن ها برای رعایت مصلحت، از حسن سلوک با مسلمین، خودداری نمی کردند. مناظرات آزادانه ی علمای مذاهب مختلف، در دربار ایلخانان، نشان از عدم تعصب مذهبی آنان است. (مرتضوی، ۱۳۸۵: ۲۵۶-۲۵۹) ایران در زمان فتوحات مغول، یک گذشته فرهنگ اسلامی بالغ بر پانصد سال را از سر گذرانده بود، با پذیرش اسلام از جانب مغولان، تحول در فرهنگ آن ها، ایجاد شد. مغولان (ایلخانان)، یا خود، به اسلام

گرویدند یا به اعتقادات اسلامی، گردن نهادند و آن را حرمت گذاشتند. آن ها در ارتباط با وزرای اسلامی ایران، به دین اسلام گرایش یا اعتقاد، پیدا کردند. چنان که هولاکو پس از ورود به ایران، از مشاورت خواجه نصیر الدین طوسی مسلمان و شیعه، بهره برد. هر چند مسلمان نشد، اما در مکاتبه با حکام مسلمان، از قرآن و اسلام، سخن می گفت. (ابن عبدی، ۱۳۶۴: ۳۷) تلاش خاندان بزرگ ایرانی از جمله جوینی چه در دربار ایلخانان و در کنار هولاکو، آباآقاخان از طریق شمس الدین، و یا در بغداد، به وسیله عطاملک، در برقراری مجدد شریعت اسلام، نباید نادیده گرفته شود. ارغون نیز، با این که مسلمان نبود شعائر اسلام را محترم می دانست حکومت کیخاتو نیز با وزارت صدرالدین احمد خالیدی مسلمان، رنگ اسلامی به حکومت ایلخانی، بخشید. (همدانی، ۱۳۷۳/۱۲۵۵ و ۱۳۰۹) در ادامه، با به قدرت رسیدن غازان خان، تاریخ ایران در دوره ایلخانان وارد مرحله ای تازه ای، شد. آغاز حکومت او، با پذیرش دین اسلام از جانب او هم زمان شد. این رویداد تاریخی، سازوکار سیاست، حکومت و مملکت داری ایلخانان در ایران را، زیر و رو ساخت و مقتضیات ویژه تری را به وجود آورد. (فضلی نژاد، ۱۳۹۳: ۱۲۵-۱۲۹) اولجایتو، جانشین غازان خان نیز از حاکمان ایلخانی بود که به دین اسلام درآمد و مذهب حنفی را پذیرفت. البته با وجود عدم تعصب دینی او نسبت به ادیان یا فرق دیگر، حتی حضور شیعیان در دربار اولجایتو، او را به مذهب تشیع اثنی عشری، تمایل ساخت. اولجایتو حتی در مصاحبت علامه حلی از فقهای شیعی، مدتی به آن مذهب گروید. ابوسعید آخرین ایلخان مشهور، مسلمان شد و فعالیت های فرهنگی و هنری را به طور محدود در قالب دین جدید، انجام داده است. (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۲۵۵/۲) برخی از محققان از این تحول با عنوان «نزدیکی معنوی هر چه بیشتر ایلخانان مغول با جامعه ایرانی» نام برده اند که در ادامه با بهره گیری از فرهنگ سیاسی ایران، و مورد توجه قرار دادن شریعت اسلامی به جای یاسای چنگیزی، توانست منشاء تحولاتی عمیق در جامعه ی ایرانی، در زمینه های مختلف، از جمله مسائل فرهنگی و هنری نیز، گردید. (بیانی، ۱۳۷۲: ۴۹۵/۲-۴۶۱) در دوره ی تیموری، دین و اعتقادات دینی دارای جایگاه ویژه ای در نزد حاکمان می باشد، که برمسائل فرهنگی و سیاسی تأثیر زیادی داشته است. تیموریان مانند بیشتر اقوامی که به ایران هجوم آوردند، از حیث فرهنگ و تمدن، ضعیف تر بودند، به زودی دریافتند که در برابر قوم متمدن تری، قرار دارند. ازاین رو به کسب و اقتباس این تمدن، پرداختند و در امور حکومتی، از ایرانیان کمک گرفتند. (ابن عربشاه، ۱۳۵۶: ۲۹۸) این

حکومت، برای حفظ موقعیت خود، نیاز به مشروعیت داشت، که از طرق مختلف در تأمین آن، تلاش می کرد. حکام تیموری در درجه نخست برای رسیدن به مشروعیت نظام، به عنصر مذهبی، تمسک جستند. تیمور از مذهب برای، پیشبرد اهداف خود به خوبی استفاده می کرد. او برای توجیه فرمانروایی و فتوحاتش، از دین اسلام، بهره می گرفت. (منز، ۱۳۸۷، ۲۴-۲۳) تیمور اساس سلطنت خود را، بر دین اسلام قرار داده بود. بنابر نوشته ابن عربشاه: «معتقد بر یاسای چنگیزی بود، با این حال در آن، در طریقه شرع محمدی به کار می بست» (ابن عربشاه ۲۳۵۶: ۲۹۸) در دوره تیموریان، روح مذهبی بر مسائل گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سایه انداخته بود. تعصب سلاطین تیموری در دین، با تظاهر آنان به دینداری، فزونی یافتن علما و بزرگان دین در جامعه، دستاویز قرار دادن دین برای انجام فتوحات، به ویژه در دوره تیمور، مداومت آن ها به زیارت مقابر بزرگان دین و مشایخ، برگزاری مجالس دینی و مباحثات کلامی و شرعی، انجام می گرفت. در این دوره روند ساختن بناهای مذهبی، گسترش ترویج علوم دینی، نهضت های مذهبی شیعی - صوفی، بیانگر تسلط دین و مذهب، بر جنبه های مختلف زندگی اجتماعی این دوره است. باور و ایمان مذهبی حکام در این عصر، رونق بیشتری یافته بود. (منز، ۱۳۹۱: ۱۰۹) جانشینان تیمور برای مشروعیت دادن به حکومتشان، خود را حامی شریعت، معرفی کردند. به ویژه شاهرخ که هوادار اسلام، و در انجام فریضه های دینی، مقید بود. (خواند میر، ۱۳۹۳: ۱۴/۱) شاهرخ یکی از شاهان مشهور دوره تیموری است، که عمرانات زیادی انجام داده و تاریخ تمدن اسلامی و تاریخ هرات، به آن افتخار می کند. او دین مدار و مذهبی بوده و بناهایی که در دوره او ساخته شده، نشان از این دارد که، چقدر به دین و ارزش های دینی، ارج نهاده است. جانشینان او نیز از همین خط، پیروی می کردند. (اسفزاری، ۱۳۵۶: ۲۹/۲) حاکمان تیموری درصدد گسترش علوم دینی از طریق ایجاد مرکز علمی بودند. براین اساس الغ بیک با برپایی مدارس علوم دینی در ماورالنهر، به طور رسمی علوم وابسته به آن را گسترش داد. او برای اجرای قوانین شریعت، در نهادهای رسمی، افراد کاردان و برجسته ای را به کار گماشت و در تجلیل و احترام علمای دینی و مشایخ می کوشید. برای اشاعه مذهب رایج، به ساختن بناهای مذهبی همراه با تزئینات باشکوه، می پرداخت. با اختصاص دادن درآمد هنگفتی به این نهادها، فعالیت های فرهنگی آن ها را در جامعه، ایمن می ساخت. (واصفی، ۱۳۴۹: ۱۶۴/۲)

الغ بیک اگر چه در ابتدای حکم رانی درباره اجرای قوانین یاسا را به کار می بست، اما بعدها، خود را نسبت به علمای دین، علاقمند نشان می داد. هر چند اعمال او مطابق با اصول و قوانین شرع، نبود. اما شواهدی موجود است که علاوه بر امیر تیمور، عبدالطیف، ابوسعید و سلطان عمر از سلاطین تیموری بودند که، به شدت تحت تأثیر اسلام قرار داشتند. (میر جعفری، ۱۳۸۱: ۲۴۳) در واقع حاکمان تیموری با توجه به مسائل دینی و ارزش های دین اسلام، دست به تمدن سازی، پویا سازی و تحول فرهنگی و هنری زدند. این ویژگی اساسی، در تمامی ابعاد و مظاهر فرهنگی و تمدن عصر تیموری، در هرات، دیده می شود. احداث بناهای مذهبی این دوره که شامل مساجد و مقابر می باشد، در دوره شاهرخ و دیگر شاهان تیموری، به لحاظ دینداری این سلاطین، از جلال و شکوه خاصی برخوردار بود. هر کدام از شاهان تیموری، در ساخت این عمارت ها و هنرهای وابسته به آن، تلاش می کردند. این بناهای مذهبی، نشان از مظاهر دین در یک جامعه می باشند. (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۳۸/۲) شاهان ایلخانی و تیموری اصولی را تدوین کردند که در آن، پرورش هنر و محافظت از اصول تعلیمات اسلامی، مدنظر بود و می توان در انواع، هنرهای از جمله معماری و هنر کتاب آرایی، مشاهده کرد که تحولی را در فرهنگ و هنر، ایجاد کرد. (جکسون، ۱۳۷۹: ۳۰۲)

سیاست مذهبی حاکمان و تحول هنرهای تزئینی

دین پذیری ایلخانان

اسلام آوردن و توجه به اسلام ایلخانان، از جمله غازان خان و اولجایتو در تعدیل احجاف و خشونت مغول و حمایت از برنامه های عمرانی و وزرای ایرانی، نقش به سزایی داشت. به دنبال مسلمان شدند غازان و اولجایتو، تربیت علما و تأسیس مدرسه، مسجد برای تشویق و رواج دانش، فراهم شد. بنابراین امرای ایلخانی که تازه مسلمان شده بودند، ذهنشان از هر گونه تعصب مذهبی، دور بود. (مرتضوی، ۱۳۷۰: ۲۳۹-۲۴۰) سیاست آزادی مذهبی و عدم حمایت از تعصبات دینی، به پیشرفت علوم مذهبی و غیر مذهبی کمک می کرد. توجه و تدبیر ایلخانان مغول به دین اسلام، ایجاد و رونق در حوزه های علمی اسلامی، وزارت و وزرای ایرانی مسلمان، تشویق و احترام علما و تقویت فرهنگ اسلامی در دوره ی ایلخانان را فراهم آورد. این مسئله در تجدید و تقویت تمدن و فرهنگ اسلامی نیز، نقش فراوانی داشته است. البته در دوره ی حکومت غازان خان و اولجایتو، تدابیر و سیاست های وزرای مسلمان چون خواجه رشید الدین فضل الله را نیز در رونق فرهنگ و هنر این

دوره، می توان دید. (مرتضوی، ۱۳۸۵: ۲۰۴-۲۰۹) این مسئله مهم در سخنان خواجه رشید الدین فضل الله نیز، آمده که چگونه مسلمان شدن غازان خان تحولی عمیق، در رویکرد های مملکت داری، و تلاش او در جهت عمران و آبادی، از فرهنگ و هنر شده است. خواجه رشید الدین توضیح می دهد: «پیش از این پادشاهان مغول، هوس عمارت داشته اند و آن را شروع کرده، لیکن کمتر به انجام رسانیده...». خواجه هم چنین رویکردی انتقادی به سیاست عمرانی و فرهنگی ایلخانان، قبل از دین پذیری (اسلام) آن ها می کند که: «هر کجا بنیادی نهاده اند مبالغ اموال بر آن صرف می شد و از ولایات، وجوه و چارپای و آلت و خردورزی، می آوردند و خلایق را زحمت می رسید و اغلب تلف می شد و مال از میانه می رفت و زیادت عمارتی مسیر نمی شد و آن نیز که کردند، بر بنیاد نبود و به اندک زمانی خراب گشت.» (همدانی، ۱۳۷۳: ۷۹/۲) در عهد مسلمانی ایلخانان و با پایان یافتن هرج و مرج، درگیری ها و تثبیت حکومت، تجارت رونق زیادی گرفت و باعث رونق اقتصادی و امنیت اجتماعی گردید. این مسئله سبب مناسب شدن وضعیت فرهنگی جامعه ایرانی عصر ایلخانان، پس از مدتی ویرانی و خرابی را، نمایان ساخت. (رضوی، ۱۳۸۸: ۲۲۸-۲۲۹) رونق و تحول در انواع هنرها، معماری، کتاب آرایی و هنرهای مستظرفه در این دوره، ایجاد شد، که تحت شرایط دینی و سیاسی اتفاق افتاد. احداث بناهای مذهبی و یا ترمیم خرابی های گذشته، آغاز شد. در این دوره، بناهای مذهبی مانند مساجد، مدارس، زیارت گاه ها و مقابر با تزئینات وابسته به آن، بیشتر مورد توجه بود البته نقشه ساختمان ها و فرم گنبد به سبک قدیم، با تغییراتی از سوی هنرمندان معمار، ادامه یافت. (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۳۰/۲) در طول حکومت غازان خان و پس از مسلمان شدن او، بناهایی مختلف برای رسیدگی به فقرا و نیازمندان ساخته شده، ساختن بناهای مذهبی مانند مساجد، و مقبره هایی که پس از او مرسوم شده، و دارای تزئیناتی است که براساس اعتقادات و باورهای دین اسلام، بر آن ها نقش بسته شد. (پیرنیا، حسن و اقبال، عباس، ۱۳۶۹: ۵۰۸). او برخلاف رسم سلاطین مغول، مقبره ای برای خود، ساخت که به دلیل مسلمان شدن، آن را آشکار نمود که یک نوع بنای مذهبی، با سبک خاص، و دارای تزئینات منحصر به فردی در این دوره، بوده است. (اقبال، ۱۳۶۵: ۳۰۵) در کنار حاکمان مسلمان مغول و طرفداری آن ها از آئین اسلام، در رونق فرهنگ و هنر اسلامی، وزیران خردمند ایرانی نظیر خواجه نصیرالدین طوسی و خواجه رشید الدین

فضل الله نیز، نقش بسیار مهمی داشته اند. (پیرنیا، ۱۳۶۹: ۵۱۲) آن ها توانستند با درایت خود، علاوه بر این که حاکمان مغول را به تدریج و با سیاست، تابع دین اسلام نمایند. از نظر فرهنگی، هنری و سیاسی آن ها را تحت تأثیر گذشته ایران، قرار دهند. از این طریق، فرهنگ ایرانی و هنرهای آن نیز، مورد توجه و رونق مجدد، قرار گرفت. (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۲۵۵/۲) در دوره ایلخانی، مراکز آموزشی و هنری ایران به دست بانیان مسلمان و با بهره گیری از مذهب مختلف اسلامی اعم از سنی و شیعی اداره می شد. این مراکز شامل رصدخانه، مجتمع های آموزشی، مدارس و کارگاه های هنری بوده و تحت تأثیر اعتقادات دینی، دین اسلام، به کار خود ادامه داد. صنایع و هنرهای موجود در این مراکز هنری و فرهنگی، رونق یافته و تحولاتی در زمینه های کتب و طرح هر یک از آن ها، را در پی داشته است. در واقع حضور و فعالیت افراد مسلمان، در دربار سلاطین ایلخانی عامل اصلی ساختن مدارس و مجتمع های آموزشی علمی و هنری، می باشند. البته نباید، توجه و علاقه سلاطین ایلخانی به علوم و صنایع هنری را نادیده گرفت. (همان: ۱۳۰۹/۲)

در عصر مغول ابتدا، به دلیل دین ستیزی آن ها، هنرهایی چون موسیقی، نقاشی به خصوص مجسمه سازی رونق گرفت و کارهای ارزنده و با شکوهی را، به وجود آوردند. اما پس از تسلط اسلام و گرویدن حاکمان ایلخانی به دین اسلام، هنر نیز، چون سایر مظاهر جامعه، دستخوش تغییر و تحول گردید. هنرهایی مانند موسیقی و مجسمه سازی که با اسلام مغایرت داشتند به فراموشی سپرده شد و به جای آن معماری و تزئینات وابسته به آن چون گچ بری، آجر کاری، کتیبه نگاری و دیگر هنرها نظیر کتاب آرایی شامل تزئیناتی چون نقاشی و خوشنویسی رونق یافت، که تحولاتی براساس نگرش و اعتقادات دینی جدید، در این هنرها، پدید آمد.

حاکمان ایلخانی برای نمایاندن شکوه و عظمت و حکومت خود، براساس دین جدید، اسلام، به بهره برداری از انواع هنرها و تحول در آن ها، پرداختند. (بیانی، ۱۳۷۲: ۵۵۷/۲) امراء و وزرای ایشان جهت خود، عمارت و ابنیه ای بنا کردند و به مردم نیز، اجازه تجدید عمارت دادند. شهرها و بناهای مذهبی و خیریه، مدارس و مقابر ساخته شد. هنرهای تزئینی نظیر گچ بری و کاشی کاری جهت آرایش آن ها، رواج یافت. به تقلید از چادرهای خوانین مغول، ابنیه و عمارات، مساجد و مقابر را با کاشی، خطوط زیبا به شکل کتیبه نگاری با آیات قرآنی و اسماء الهی، زینت دادند. در مساجد، معمولا محراب را با کاشی های لعاب دار درخشان و طرح ها و نقوش زیبایی اسلیمی، آراسته می کردند. (

پرایس، ۱۳۷۵: ۱۰۱-۱۰۳) هنر تزئینی کتاب آرایی نیز، با نوشتن کتب دینی با توجه به گسترش دین اسلام، رواج یافت. هنرمندان خوشنویس، به فعالیت های هنری، با نوشتن قرآن با خطوط رایج این دوره، می پرداختند. کتاب ها به زیباترین هنرهای تزئینی، تذهیب به همراه جلد های نفیس، آراسته می شد. حاکمان ایلخانی به سرعت، خود را در قالب سنت های فرهنگی و مدنی اسلامی و ایرانی، قرار داده و با ساختن بناهای مذهبی و با سفارش نسخ خطی قرآن کریم، که نشان گر عقیده دینی آن ها بود، جایگاه سیاسی خود را نیز تثبیت کردند. (اقبال، ۱۳۶۵: ۲۶۱) نتیجه آن تحول در هنرهای تزئینی برجسته این دوره در قالب هنرهای کتاب آرایی و معماری گردید که براساس دین و سیاست دینی حاکمان، شکل گرفت.

تسامح دینی تیموریان

تعصبات مذهبی در زمان تیمور و پس از او در زمان شاهرخ، اشاعه یافت و تا دوره وزارت امیر علیشیر نوایی نیز، نفوذ خود را از دست نداده بود. اما در اثر آزاد منشی و روشن بینی امیر علیشیر نوایی و سلطان حسین بایقرا، از بروز اختلالات شدید میان تشیع و تسنن در این دوره کاسته شد. این مسئله سبب شد که صاحبان افکار و عقاید، آزادتر گردند و آثار فرهنگی، هنری، ذوقی و ادبی به صورت کامل تر، به ظهور و بروز درآید. (نوایی، ۱۳۷۵: ۴۹) آن ها به همه مذاهب توجه داشته و پای از تعصب بیرون نهند. با پیروی از حقیقت به آرای عقاید و فرهنگ ملل، احترام می گذاشتند. (طباطبائی، بی تا، ۴۹) همین فضای مذهبی به دور از تعصب و سخت گیری، در گردآوردن سلیقه ای گوناگون در کنار هم، تأثیر داشت و اعتدال مذهبی آن ها، باعث شد جنگ های مذهبی رونق نداشته و پیشرفت هنر و فرهنگ در این دوره، در گرو همین فضای مذهبی بدون تنش، منجر به رونق و تحول در هنرهای مختلف نیز، گردد. (عقیلی، ۱۳۶۷: ۱۲۰) تساهل مذهبی با سایر مذاهب، باعث پیشرفت هنر و هنرمندان در عصر تیموری گردیده است. کوشش های امرای تیموری در جذب، گروه های مختلف فکری و اعتقادی، در جهت پیشرفت هنرهای مختلف، بسیار مؤثر افتاد. چنان چه در عصر حاکمان تیموری مانند شاهرخ، الغ بیک، بایسنغر، سلطان حسین بایقرا، هنرهای ظریفه و معماری رونق فراوان، یافت. کتاب های زیای استنساخ، تذهیب و نگارگری شد. آن ها در مجامعی که با شرکت ادبا، دانشمندان و هنرمندان تشکیل می شد، شرکت می کردند. این گونه امور

جز در سایه تساهل و مدارای مذهبی، محقق نمی شد. در این باره می توان گفت: « با جمع آوری هنرمندان و صنعت گران در سمرقند، بخارا، هرات، خراسان و فارس، مرکزیت هنری برجسته ای به وجود آوردند.» (حبیبی، ۱۳۵۵: ۲۲) حاکمان با هنرمندان همراهی کردند و با فرهنگ ایرانی، آشنا شدند. آن ها با ترغیب این گرایش، به تزئین بسیاری از نسخ خطی مذهبی و تاریخی این دوره، پرداختند. مهم ترین ویژگی این دوران، شکل گیری حیات قدرتمند فرهنگ و مذهب است که در برگیرنده عوامل مذهبی تحت حمایت دربار تیموری می باشد. بنابراین تولیدات هنری، در ارتباط نزدیک با رویدادهای مذهبی، فرهنگی و تاریخی بوده است. (شایسته فر، ۱۳۸۱: ۷۷) تسامح دینی حاکمان تیموری، باعث شد که علمای مذهبی در دوره حکومت سلطان حسین بایقرا، به دربار دعوت می شدند و درباره قوانین اسلامی، به بحث می پرداختند. آنها در علوم و معارف، هنر و معماری، بازرگانی، تاریخ نگاری و ادبیات، نقش بسیاری داشتند، و به پیشرفت و تحول در امور فرهنگی کمک زیادی کردند. در واقع استفاده از پیروان و گروه های مختلف دینی، و هنرمندان در این عصر، شایان توجه است. به نحوی که در امر معماری و ساخت بناهای مختلف در این دوره، از معماران با عقاید گوناگون سود برده می شد که حکایت از تسامح دینی امیران تیموری را دارد. مسجد گوهرشاد توسط قوام الدین شیرازی و مدرسه خرگرد توسط غیاث الدین شیرازی ساخته شد. مراقدی چون شاه چراغ در شیراز، در این عهد به دست حاکمان محلی رونق یافت، که جزء آثار ارزشمند هنری شد: « در دوره تیموری هم چنین بر حجم نقاشی ها و تصویر نگاری، با مضامین مذهبی خاصه ائمه شیعی، افزوده شد...» (شایسته فر، ۱۳۸۱: ۷۷) تأثیر دین اسلام و عرفان اسلامی را نیز می توان در هنرهای تزئینی این دوره، دید که نشان آزادی دینی است. در معماری اسلامی، کاربرد کتیبه ها بر روی بناهای مذهبی مانند مساجد و مقابر، بسیار زیاد بوده است. نوشته های قرآنی، ادعیه، احادیث، اشعار منقوش و مضامین مکتوب، بر دیوار یک بنا، به نحوی باعث انعکاس معنوی خطوط آن ارتباط برقرار می کند. (همان: ۶۳) بنابراین نه تنها معماران مسلمان بلکه کتیبه نویسان دیگر نیز، می کوشیدند تا فضای به وجود آورند که کلیه صفات و کیفیات مقامات معنوی را متجلی سازند. القای ارزش های دینی در قالب هنر خوشنویسی در این دوره، که از کارکردهای برجسته هنرمندان خوشنویس بود، مورد توجه قرار گرفت. کتابت قرآن های متعدد، با سبک های هنری و تزئینات زیبای تذهیب، صحافی و جلد های نفیس با طرح ها و نقوش بدیع، در کنار خطوط

عربی با خطوط ایرانی مهم تر می شد. هم چنین نوشتن کتیبه هایی، حاوی احادیث ائمه (ع)، نوشتن اشعار مذهبی با بار اخلاقی، نمونه هایی از تبلیغات معنوی، در این دوره بود که توسط این هنرمندان انجام می گرفت. (نظامی باختری، ۱۳۵۸: ۷۵) توجه تیموریان نسبت به دین و مذهب از طریق ساخته های هنری معماری نیز، به اثبات می رسد. در این باره آمده است: «همان طور که معماری پاسخ گوی اهداف فرهنگی هنری تیمور بوده، پاسخ گوی اهداف و نیازهای فرهنگی و معنوی شاهرخ نیز می باشد. سلاطین تیموری با رویکرد دینی، در ساختن تمدن، تلاش فراوان نمودند و به خراسان به خصوص هرات، عزت تازه ای بخشیدند.» (اوکین، ۱۳۸۶: ۱۵۳) در واقع در کنار آزادی دینی به گروه های مختلف، هنر نیز در خدمت دین و ساختن بناهای دینی و نگارش کتب دینی در قالب هنر کتاب آرایی، مورد توجه قرار گرفت. در چنین جامعه ای توجه به اعتقادات دینی و جهت گیری مذهبی افراد هنرمند و آثارشان، نقش مهمی در ارزیابی جایگاه آنان نیز، در جامعه دارد. در واقع ساخت بناهای مذهبی، کتابت و تذهیب و تجلید قرآن به زیباترین وجه، به تصویر کشیدن نقوش با مضامین مذهبی و غیره، افزون بر این، بررسی عقاید مذهبی هنرمندان و صنعت گران این دوران نیز، همراهی و هم گاهی ایشان با جریان مذهبی را، دارد. (منز، ۱۳۹۱: ۱۱-۱۱۲) با توجه به این که یکی از ویژگی های بارز تیموریان، نزدیکی دین و هنر بود. این پیوند باعث گرایش علما دینی در کنار هنرمندان، به شاخه های مختلف هنر و صنعت نیز، می گردید که موجبات تحولاتی در این هنرها را، فراهم می آورد. از جمله غالب شیوخ بخارا با اهل حرفه و صنعت گران انتساب داشتند و در میان پیشه وران و صنعت گران، نفوذ فراوانی به دست آوردند. چنان چه خواجه علی رامینی، سید امیر کلال از شیوخ نقش بندی به صنعت کوزه گری و بافندگی اشتغال داشتند. سید مرتضی صحاف، مولانا نصیرعلی هروی خطاط و ... از هنرمندان این دوره بودند. (صفوی، ۱۳۸۴: ۷۴) علی رغم تفاوت عقیدتی میان هنرمندان دوره تیموری، با مشارکت هم، در کمال تسامح و تساهل، به خلق آثار هنری نفیس، مشغول بودند. هر چند شواهدی بر وقوع برخی برخوردها، میان هنرمندان سنی مذهب با مردم شیعی نیز، وجود دارد. چنان که غیاث الدین محمد خراسانی از هنرمندان سنی مذهب خراسان، با یکی از شیعی مذهبان درگیری لفظی پیدا کرد که منجر به درگیری میان آن ها انجامید. (واصفی، ۱۳۴۹: ۲/۲۲۸) حرمت گذاری به دین در دوره تیموری باعث شد

در میان هنرمندان، تفاوت هایی از نظر جایگاه اجتماعی، ایجاد شود. این مسئله بر هنرهای آن نیز، تأثیرگذار بوده است. چنان که ارزش گذاری به کار هنرمندان و صنعت گران، تعیین جایگاه آن ها را به دنبال داشته است. به گونه ایی که در میان هنرهای اسلامی، هنرمندان خطوط از لحاظ حرمت و منزلت اجتماعی، برتر والاتر از دیگر هنرمندان مانند نقاشان و مذهب آنان، شناخته شده اند. زیرا آن ها متن کتاب دینی، قرآن را می نوشتند. (حسن، ۱۳۶۳: ۱۱۱)

بنابراین علی رغم ویران گری های تیمور، گرایش شدید فرزند و جانشینان او به دین اسلامی، باعث شد که در نواحی زیر نفوذ حکومت آنان، راه شکوفایی و عمران را در پیش گیرند و از این حیث، سمرقند و هرات در بین شهرهای ایران آن روز، پیشی گرفتند. چنان چه سمرقند در زمان الغ بیک به یک کانون علمی و فرهنگی مهم تبدیل شد. هرات نیز در دوران بایسنغر و سلطان حسین بایقرا، به مرکز علمی و هنری شکوفایی، تبدیل شد. کانون هایی فرهنگی آن، عرصه تحقیق و هنرنمایی عالمان، شاعران و هنرمندان، به خصوص خوشنویسان را فراهم آورد. (سعیدی، بی تا: ۸۱)

دین و گرایشات دینی در دوره ایلخانی و تیموری، بفرهنگ و هنر این دوران تأثیر زیادی داشته و تحولاتی را در هنرهای آن، برجای گذاشته است. ساختن انواع بناهای مذهبی و تزئینات به کار رفته در آن، نگارش نسخ خطی دینی با انواع خطوط و تزئینات هنر کتاب آرایی، از دلایل دین پذیری و تسامح دینی در این دوران می باشد. که شاهد تحولاتی در انواع هنرهای تزئینی از نظر طرح و نقش و سبک هنری، براساس دین و باورهای دینی، در این دوران می باشیم.

نتیجه گیری

هنر و دین در طول تاریخ همواره در ارتباط با یکدیگر بوده و در رونق تحول انواع هنرها، تأثیر زیادی داشته است. حاکمان، همواره از هنر با توجه به نقش پذیری بودن آن، جهت اهداف حکومتی و رسیدن به خواسته های خود، استفاده نموده اند. بنابراین به دلیل ارتباط میان هنر و دین و جنبه کاربردی آن در دوران تاریخی، مورد توجه است. با بررسی نقش دین و سیاست مذهبی حاکمان عصر ایلخانی و تیموری در رونق و تحول هنرهای تزئینی، می توان دریافت، علاقه فرمانروایان این دوره به دین و حمایت از آن، جهت مطامع و خواسته های سیاسی خود بوده و از هنر برای تحکیم قدرت، استفاده می کردند. با پذیرش دین جدید (اسلام) و تسامح دینی توسط حاکمان ایلخانی و تیموری، علاوه بر مشروعیت بخشی، به تحکیم قدرت و تثبیت سیاسی خود، می افزودند. از آن

جایی که دین و هنر رابطه‌ی نزدیکی داشته، سعی کردند با پذیرش دین و آزادی دینی به گروه‌های مختلف، موجب استواری حکومت خود را به دست آورند. در واقع دین‌پذیری و حرمت‌گذاری به پیروان ادیان مختلف، از سوی حاکمان ایلخانی و تیموری، فرهنگ، هنر و سیاست را تحت تأثیر گذشته‌ی ایران قرار داده و فرهنگ ایرانی و هنرهای آن، مورد توجه و رونق قرار گرفت. کارگاه‌های هنری تحت تأثیر اعتقادات دین جدید (اسلام) به کار خود ادامه داد و انواع صنایع و هنرها، رونق یافته و تحولاتی را در زمینه سبک و نقش، هر یک، پدید آمد. حاکمان ایلخانی و تیموری برای عظمت‌نمایی و شکوه حکومت خود، براساس دین جدید، به بهره‌برداری از انواع هنرها و تحول در آن پرداختند. حاکمان ایلخانی خود را در قالب سنت‌های فرهنگی اسلامی و ایرانی، قرار داده و به تشویق و حمایت هنرمندان برای ساختن انواع بناهای مذهبی، مساجد، مقابر و نسخ خطی دینی (قرآن)، پرداخته که نشان‌دهنده عقاید دینی آن‌ها بوده، و توانستند ضمن مشروعیت بخشی، جایگاه سیاسی خود را نیز تثبیت کنند. از طرفی حاکمان تیموری نیز سیاست‌ها و قواعدی را مطرح کردند که در قالب آزادی دینی و احترام به پیروان مذاهب مختلف، از یک سو به حفظ ارزش‌ها و آموزش‌های اسلامی توجه داشته باشند و از سوی دیگر به رونق و پیشرفت هنر و فرهنگ و رونق انواع هنرها، نظیر معماری و کتاب‌آرایی، بپردازند. آثار هنری به جای مانده از دوره ایلخانی و تیموری، نزدیکی دین و هنر را به نمایش می‌گذارد که در سایه سیاست مذهبی دین‌پذیری، تسامح دین و حمایت از پیروان مذاهب، از سوی حاکمان آن دوره بوده و منجر به تکامل، تنوع و تحول در هر یک از انواع هنرها، توسط هنرمندان خلاق، گردیده است.

منابع و مآخذ

۱. -ابن عبری، غریغوریس بن هارون، (۱۳۶۳)، تاریخ مختصر الدول، ترجمه محمدعلی تاج پور، تهران: اطلاعات
۲. -ابن عربشاه، احمدبن محمد، (۱۳۵۶)، زندگی شگفت‌آور تیمور، ترجمه محمدعلی نجاتی، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
۳. -اتینگهاوزن، ریچارد و گرابر. اولگ، (۱۳۷۹)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.

۴. -اسفزاری، معین الدین محمد، (۱۳۵۶)، ج ۲، روضات الجنات، تصحیح محمدکاظم، تهران: انتشارات تهران
۵. -اقبال، عباس، (۱۳۶۵)، تاریخ مغول، تهران: امیرکبیر، چاپ هفتم.
۶. -اوکین، برنارد، (۱۳۸۶) معماری تیموری در خراسان، ترجمه علی آخشینی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
۷. -بلخاری، حسن، (۱۳۸۲)، سرگذشت هنر و تمدن اسلامی، تهران: نشر افرا، چاپ دوم.
۸. -بیانی، شیرین، (۱۳۷۲)، ج ۲، دین و دولت در ایران عهد مغولان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۹. -پرایس، کریستین، (۱۳۷۵)، راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
۱۰. -پیرنیا، حسن و اقبال. عباس، (۱۳۶۹): تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه، تهران: خیام، چاپ نهم.
۱۱. -جکسون، پیت، (۱۳۷۹)، تاریخ هنر دوره تیموری، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی، چاپ دوم.
۱۲. -جنسن. و.ه. (۱۳۵۹)، تاریخ هنر، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۱۳. -حبیبی، عبدالله، (۱۳۵۵)، هنر عهد تیموری، تهران: بنیاد فرهنگی ایران.
۱۴. -حسن، زکی محمد، (۱۳۷۶)، تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه محمدعلی خلیلی، تهران: اقبال.
۱۵. -حقیقت، عبدالرفیع، (۱۳۶۹)، ج ۱، تاریخ هنرهای ملی ایران و هنرمندان، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایرانی.
۱۶. -خواندمیر، غیاث الدین هماد الدین، (۱۳۵۳)، ج ۳، جیب السیر، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابفروشی خیام، چاپ دوم.
۱۷. -دیاکوف، و. (۱۳۵۱)، ج ۱، تاریخ جهان باستان، ترجمه صادق انصاری، تهران: اندیشه، چاپ دوم.
۱۸. -رضوی، ابوالفضل، (۱۳۸۸)، شهر سیاست اقتصاد در عهد ایلخانی، تهران: امیرکبیر، چاپ اول.
۱۹. -سعیدی، عباس، (بی تا)، معماری دوره تیموری در ایران و توران، مشهد: آستان قدس رضوی.

۲۰. -سمرقندی، عبدالرزاق بن سحاق، (۱۳۸۳)، ج ۲، مطلع السعدین و مجمع البحرین، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی
۲۱. -شراتو. وامبروگرابه. ارنست: (۱۳۷۶)، تاریخ هنر دوره ایلخانی و تیموری، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
۲۲. -صفوی، سام میرزا، (۱۳۸۴) تحفه سامی، به تصحیح رکن الدین همایون فرخ، تهران: اساطیر.
۲۳. -عقیلی، سیف الدین حاجی نظام، (۱۳۶۴)، آثار الوزرا، به تصحیح میر جلال الدین حسین ارموی، تهران: اطلاعات.
۲۴. -کنفوسیوس، (۱۳۷۵)، مکالمات، ترجمه حسین کاظم زاده، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ نهم.
۲۵. -گشایش، فرهاد، (۱۳۷۷) تاریخ هنر ایران و جهان، تهران: عفاف.
۲۶. -مرتضوی، منوچهر، (۱۳۸۵)، مسائل عصر ایلخانان، تهران: انتشارات ادبی و تاریخی منوچهر افشار.
۲۷. -منز پاتریس موریس، (۱۳۹۱)، قدرت سیاست و مذهب در عصر تیموریان، ترجمه حسن اسدی، تهران: مولی
۲۸. -میرجعفری، حسین، (۱۳۸۱)، تاریخ تحولات دوره تیموری و ترکمانان، تهران: سمت
۲۹. -محسنی، حسین، (۱۳۷۹)، ج ۱۰، اطلاعات عمومی هنر، تهران: عفاف.
۳۰. -نصیری انصاری، محمود (۱۳۵۰)، سیر هنر و معماری ایران، تهران: هنرهای عالی.
۳۱. -نظامی باختری، عبدالواسع، (۱۳۵۷) منشاء النشاء، به کوشش رکن الدین همایون فرخ، تهران: دانشگاه ملی.
۳۲. -نوایی، امیرعلی شیر، (۱۳۷۵)، دیوان اشعار، به اهتمام رکن الدین همایون فرخ، تهران: منوچهری.
۳۳. -واصفی، زین الدین محمود، (۱۳۴۹)، ودایع الوقایع، تصحیح الکساندر بلدروف، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۳۴. -همدانی، رشیدالدین فضل الله، (۱۳۷۳)، جامع التباریخ، به تصحیح محمد روشن، تهران: البرز.
۳۵. مقالات
۳۶. حیدری، علی اکبر، (۱۳۹۱)، « تأثیر آثار هنری در فضا سازی معنوی در اماکن دینی»، دفتر مطالعات شهرهای ایران اسلامی، ش ۷، ۸۶-۷۳.
۳۷. -خزائی، محمد، (۱۳۷۶)، نمادگرایی در هنر اسلامی، مجموعه مقالات همایش هنر اسلامی.

۳۸. -شایسته فر، مهناز، (۱۳۸۱)، «بررسی کتیبه های مذهبی دوره تیموری و صفویه»، فصلنامه علمی و پژوهشی علوم انسانی، ش ۱.
۳۹. -شوان، زیدهوف، (۱۳۷۲)، « دین و هنر»، ترجمه سید حسین نصر، دفتر مطالعات دینی، تهران، ۱۰۰-۱۱۱.
۴۰. -فضلی نژاد، احمد، (۱۳۹۳)، «بازآفرینی الگوی حکومت ایرانی در دوره ایلخانی»، مجله اقتصادی، ش ۲۹۶، ۷۳-۶۵.
۴۱. -کاپادونا، دایان آپوستولوس، (۱۳۸۳)، « دین و هنر»، ترجمه فرهاد ساسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات دینی، ش ۷، آبان ماه، ۹۹-۱۰۹.